

فرمان تأسیس تشکیلات کلان دولت، توسط ناصرالدین شاه (۱۲۸۳ ه. ق)

دکتر کیانوش کیانی هفت‌لنگ

اشاره:

درباره انگیزه ناصرالدین شاه، از راه‌انفازی تشکیلات کلان دولت و نیز دیگر تحولات دوره ناصری، دیدگاه‌های متفاوتی ابراز شده است که ذیلاً به نمونه‌هایی از آن، اشاره می‌شود:

دکتر حسین محبوبی اردکانی، نوشته است: گروهی بر خورد با اروپا و مفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ و دیدن تحولات چشمگیر فرنگ را موجب این تحولات می‌دانند و معتقدند، در پاره‌ای موارد، چشم و گوش شاه باز نشد و با الگوبری از کشورهای پیشرفته اروپا، به سازماندهی امور عمومی کشور پرداخت (۱).

عباد... مستوفی، از منظر دیگری به موضوع پرداخته و معتقد است که ناصرالدین شاه که از بی‌کفایتی صدراعظمش، میرزا آقاخان نوری به تنگ آمده بود، طی دستخطی در ۱۲۷۰، امور لشکری را بکلی از وظایف صدراعظم منفک و به دست عزیزخان سکری سپرد و پیش از آن نیز، وزارت علوم و ریاست دارالفنون را به علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه (پسر فتح‌علیشاه) سپرده بود. همچنین، میرزا سعیدخان را با لقب مؤتمن الملکی، به وزارت خارجه منتخف کرد.

از سوی دیگر، مستوفی و پاسخگو بودن وزیران در کار خود، که در تمام اروپا معمول بود، به سمع شاه رسیده بود و این شیوه، با فکر شاه، که می‌خواست به تمام کارها، احاطه داشته باشد، سازگارتر بود. گزارشهای میرزا محمدخان قاجار (کشیکچی باشی) هم، از اوضاع نابسامان امور ریخت و پاشهای صدراعظم، دست به دست هم داد و عزم و اندیشه شاه را برای انجام دگرگونی، قوت بخشید. تا اینکه در بیستم محرم ۱۲۵۷، دستخط برکناری میرزا آقاخان و بستگان وی از مناصبان صادر شد. شاه، در بخشی از این دستخط، خطاب به میرزا آقاخان نوشت: «لشما از عهده خدمات ما برونیا میدید و در این بین، خط و خطاهای اتفاق افتاد و کم‌کم امور دولت محوق ماند.»

ناصرالدین شاه، پس از این اقدام تاریخی، دیگر نمی‌خواست صدراعظم داشته باشد، بلکه مایل بود، کارها را بین چند نفر وزیر تقسیم کند و هر یک را در کار خود مستقل نماید و سروکار آنها را با خود قرار دهد تا از حال رعیت، بهتر

آگاه شود، و نیز، هرگاه امر مهمی پیش بیاید، شورا یا از وزیران تشکیل شود و هر یک نظر خود را در آن زمینه اظهار کنند و به عرض شاه برسانند تا امر شاهانه، قدرت اجرا به آن بدهد؛ در هر حال، امضای کلیه امور، به عهده شاه بود تا هیچ کاری بدون امر قبلی او، قابل اجرا نباشد و برای اجرای این نظر، دستخطی صادر کرد و کارها را به شش قسمت (وزارت داخله، وزارت خارجه، وزارت جنگ، وزارت مالیه، وزارت عدلیه، و وزارت وظایف و اوقاف) تقسیم و هر یک را به یکی از رجال واگذاشت (۲).

مهدی بامداد نیز، سلیقه شاهانه را در تأسیس این تشکیلات مهم دانسته و نوشته است: در سال ۱۲۸۳ قمری، ناصرالدین شاه، بنا به سلیقه شاهانه، باز به فکر تشکیلاتی برای مملکت افتاد و هر کسی را سر کاری گذاشت و حدود اختیارات هر یک را تعیین و اموراتی را به وی محول نمود و البته این کار، خیلی موقت بود و در همین سال، چون موضوع روی نظر و سلیقه شاهانه صورت گرفته بود، دوباره تشکیلات مزبور، بکلی به هم خورد (۳).

به هر روی، سندی که در این نوشتار معرفی شده است، نشانگر گوشه‌ای از چگونگی پیدایش نظام نوین اداری کشور می‌باشد که نظر به اهمیتش از جنبه‌های گوناگون، اینک، باز چاپ آن با توضیحات تکمیلی و ویرایش جدید، پیش‌اروی پژوهشگران و تاریخ‌پژوهان و کارشناسان تحول نظام اداری کشور قرار می‌گیرد؛ باشد که مفید و نافع، واقع گردد.

در پایان، تصویر اصل سند، به منظور مقایسه آن با متن چاپ شده، درج گردیده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱- محبوبی اردکانی، حسین، «تولیع مؤسسات تمدنی جدید در ایران»، انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم، ص ۵۵.

۲- مستوفی، عبداللّه، شرح زندگانی من، ۳ مجلد، چاپ سوم، انتشارات وزارت تهران ۱۳۲۸، جلد اول، صص ۵۳-۵۸.

۳- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، ۶ جلد، چاپ چهارم، انتشارات وزارت تهران ۱۳۲۸، جلد چهارم، ص ۴۸۱.

بسم الله تعالى شأنه العزيز

چون به واسطه اشتغالات کثیره هفت سال متوالی - که به نفس نفیس همایون مترجه بودیم - چندی بود مزاج مبارک، چندان همراهی نداشت و مداومت مشاغل سابقه را - به آن تخصیل که بود - دور از رویه احتیاط و حفظ صحت مزاج همایون خود که بر همه چیز مقدم شمردیم، لہذا، در ابتدای سال گذشته اودنیل (۱) قرار بی در وضع اداره امور دولتی و مملکتی دادیم و دستور العمل مشروح مفصل و موشح به دستخط مبارک، از روی کمال بصیرت و تجربت - که هیچ نکته از نکات تجربنهای پیش، فروگذار نشده بود - نوشتیم. نظریه این که اکنون به عون عنایت و تأیید خداوند بیچون، مزاج همایون ما، به طور بیست که از واریسی معظمت امور و رتوس مسائل و مهام عمده دولتی، امتناعی ندارد؛ خاصه که بعضی تخصیصات و تسهیلات لازمه نیز، که بتازگی در شعب و اقسام کارها، منظور نظر فرموده ایم که زحمت خارج از لزوم به مزاج همایون نرسد. بنابر آن، به اراده سنیہ همایون در هذه السنه بارس نیل (۲) سعادت دلیل، قرار تقسیم کارها و طراز اداره مهام دولتی را به تفصیل داده، کفالت هریک از آنها را، به ملاحظه لیاقت اشخاص، به عہدہ یکی از چاکران مجرب درباری محول و مرجوع داشتیم و خود، به نفس نفیس همایون - به طوری که لزوم کارها اقتضا نماید - مواظب نظم و یسرفت خدمات منقسمه مقررہ، بعون الله تعالی خواهیم بود.

باید وزرا و چاکران دربار همایون، به موجب عزم و اراده ملوکانه عمل نموده، در خدمات مرجوعہ، مستقلاً اقدام نموده، لازمه مجاہدت و اهتمام، به عمل آورند. اموری که سابقاً، قبل از سال اودنیل، منحصر من مابود، از قبیل صحه فرامین و بروات و احکام امور ولایات و حواله و اطلاق (۳) عمل خزانه و براندازان و قرار جمع و خرج و تقسیم وجوه و اقساط و دستور العملهای ولایات و حکم کلیه امور دولتی و در صورت ظهور اختلاف فیما بین وزارتخانه ها، رفع آن و احکام لازمه عمده، منحصر من و مجرد مسعود همایون خواهد بود. سایر امور دولت، منقسم به وزارتخانه های مرتقمہ ذیل خواهد شد:

هریک، در کمال استقلال به لوازم انجام خدمات مرجوعہ، قیام و اقدام نموده، لازمه اهتمام را، مرعی دارند. خدمات و مهمات دولتی و مملکتی - که راجع به چاکران دولت است - باید نهایت استقلال را داشته باشند. نوشتجات و احکام آنها را، حکام و مباشرین امور ولایت سپرده به آن وزیر نالی حکم همایون و در حضور ما، به امضا مقرون دانند، اگر چه تغییر و تبدیلی و عزل و نصب حکام و مباشرین باشد. نیک و بد و حسن و قبح امور و افعال مباشرین و عمال سپرده به هر وزیر، از او دیده می شود لا غیر. از وزارتخانه ها، نباید هیچیک مداخله به کار وزارتخانه دیگری نماید؛ و اگر یکی، از وزارتخانه دیگری، عرضی در حضور همایون نماید، محل اعتنا نخواهد بود و به سمع قبول، اصغمان خواهد شد، بلکه مورد ملامت و توبیخ خواهد شد و مخالف رأی همایون خواهد بود. وزارتخانه هایی که با جمیع ولایات سروکار دارند، از قبیل: وزارت جنگ و مالیات و خراج و دیوان عدالت و وظایف و وزارت درباری و غیره و غیره، هر کاری و هر ولایتی دارند، رجوع به وزیر آن ولایت نمایند و انجام او را از او بخواهند و آن وزیر، نوشته بپردازد که در موعد معین، اختتام و انجام آن عمل را به عرض رساند و اگر احوال نمود و از عہدہ بر نیامد، البته در حضور همایون، مورد پرسش و سوال خواهد بود و به این ملاحظه، از هیچ وزارتخانه، تعیین محل و صدور حکم به ولایات متعلقه به وزیر دیگر نخواهد بود مگر به خواهش و رضای وزیر آن ولایت؛ و همچنین، وزرائی ولایات را در باب قشون یا مالیات یا ارباب وظایف و غیره و غیره - اگر ضرورتی دست دهد و کار اتفاق افتد - با نوشته به آن وزارتخانه اعلام خواهد کرد؛ پس از حصول جواب، به عرض حضور همایون خواهد رسانید.

حکام ولایات و مباشرین و متصدیان خدمات و مهمات دولتی، هر کس در تحت اداره اختیار هر وزیر مقرر است، باید خود را سپرده به آن وزیر بدانند و در حل و عقد و نظم و نسق کارها و دادوستد مالیات، تابع رأی و اراده آن وزیر باشد لا غیر؛ به حدی که آن وزیر را قادر بر عزل و نصب خود بدانند و اقامت هم، هر وزیر، از حکام و مباشرین ابواب جمعی خود راضی نباشد - چون نیک و بد امور، از او دیده می شود - به مجرد عرض حضور همایون، معزول خواهد شد و عوضی

آن، بارضا و عرض آن وزیر، منصوب می شود تا رشته نظم محکم باشد و با کمال استقرار و استقلال برقرار باشد. البته، وزراء بدون حکم همایون و دستور العمل دیوانی، دیناری مداخله در مال دیوان نخواهند کرد؛ لیکن نوشتجات، و دستور العمل وزراء، برای حکام و مباشرین، سند است؛ هر چه بنویسند و به هر کس هر چه بدهند، برای آنها، همان سند خواهد بود و باید از آن قرار، رفتار نمایند؛ بلکه اگر حکمی حتی فرمان و بروات به مهر مبارک راهی نوشته و مهر وزیر آن ولایت به جای بزنند، حکام و مباشرین، در امضای آن، مجبور نیستند؛ بلکه در عدم اجرای آن، متاب و مأجور خواهند بود. اما، سند وزراء در عرض حساب، غیر از دستخط مبارک و فرمان و ملقوقه فرمان (۴) همایون و بروات به مهر مهر آثار نباید باشد و غیر از این، هیچ نوشته از احدی پذیرفته نخواهد شد؛ اگر چه به اسم ابلاغ حکم همایون باشد؛ مگر در دستور العمل اول سال که به دستخط مبارک موشع خواهد بود. مخارجی که در آنجا به خرج منظور می شود، البته، باید برسانند و قبض آنقدر ابر طبق دستور العملها، سدیدانند. در ابتدای دستور العملهای دیوانی، به اسم وزیر و حاکم آن ولایت نوشته خواهد شد. به این نحو که کتابچه دستور العمل فلان ولایت در اداره فلان وزیر و حکومت فلان حاکم، و کذلک، در صدور فرامین و احکام، به حکام و مباشرین مرقوم خواهد شد که با امضای فلان وزیر از قرار مرقوم معمول دارند. حکام ولایات، نوشتجات و مطالبی که دارند، کلا او جزا، به نحوی که قبل ازین می نوشتند - بعد از این به وزیر آن ولایت بنویسند، و وزراء، مطالب جزیه را - که قابل عرض حضور همایون ندانند - خود جواب خواهند نوشت و هر چه را لازم باشد، به عرض حضور مبارک خواهند رسانید و جواب را از مصدر خلافت کبری حاصل کرده، به حکام بنویسند و با چایار غره و نیمه ماه بفرستند که بی جواب نمانند. وزراء، مطالب نوشتجات حکام متعلقه به خود را در روزی که از ایام برای آنها مقرر است، به عرض رسانند مگر مطالب فوری و فوری - که در هر وقت برسد، مأذون به عرض آن خواهند بود. قرار تقسیم وزارتخانه ها و خدمات ولایات، از این قرار است:

وزارت جنگ

وزارت جنگ ریاست	اسرآباد (۵)	خراسان	خوار و ماوند	کمره (۶)	قزوین	جاجرم
کل قشون	شاهرود	سیستان	فیروزکوه	اسدآباد		
	ویستام					



میرزا اسدالله خان

کامفی السابق
سنان و دامغان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وزارت جنگ و ریاست کلیه قشون به علاوه اداره امور ولایات مرقومه فوق، به عهده جناب سپهسالار اعظم (۷) محول و مفروض است و باید خود را - به نحوی که در فوق ترفیم یافته - مستقلا دارای خدمات مسطوره دانسته، در انتظام و انساق امور مزبوره، مواظبت نمایند و کاملاً علی مایه تعلق، از عهده انجام این خدمتهای بزرگ برآید و در نظم امور قشون، سعی بلیغ نماید. کتابچه قانون عسکریه راه، بنامها اجرا دارد و هیچ از آن مبهم و سهمل نگذارد و قلعهجات گرگان راه، کساکان بسازد و بنیاد تراکمه قازی قلعه را از بیخ و بن برکند و قلاع راه سرخس را معمول (۸) و مأمورن دارد و سرحدات خراسان راه، از فتنه اشرا را مضمون سازد، در کار سیستان، قراری که مقتضی صلاح و پیشرفت دولت است، بگذارد. من حیث المجموع، می باید در انتظام ولایات مسطوره و انجام خدمات مزبوره به نحوی که شایسته حکومت اوست اقدام نماید.

وزارتخانه مالیات

وزارت مالیات و ترتیب و فن محاسبات و معاملات دیوانی	آذربایجان	صندوقخانه (۹) و رختدارخانه (۱۰)	اصطبل خاصه و مادیان ایلچی	قاطرخانه
زرگرخانه شترخانه حساب ورقه دولتی	زیتخانه (۱۱) فراشخانه (۱۲) ندارد	کردستان خیامخانه	قم	ساره و زرنده ندارد



وزارت مالیات و عمل محاسبات و معاملات دیوانی و اصدار دستورالعملها و مفاد حساب کل ولایات عموماً و اداره مرقومه فوق خصوصاً و انتظام خدمات و مهمات مفصله مسطوره، به عهده جناب مستوفی المعالک (۱۳) محول است. می باید کمال مراقبت در جمع خرج و منافع و مخارج دولت داشته باشد که وجوه خزانه عامره، بدون کسر و تقیصه برسد. سایر مخارج دولتی و محلی، به قدر لزوم و ضرورت، معطل او لمعوق نماند و در ولایات متعلقه به خورد، رسم جور و اعتساف رابراندازد و سایر امور مرقومه را - به نحوی که مرضی طبع مبارک باشد - منظم سازد و از هر جهت، کمال مراقبت و سجاوحت، در انتظام امور متعلقه به خود به عمل آورده، دستورالعملهای ولایات را بر وقت و موقع، به وزیر ارسالند و در تنفیج محاسبات، سعی و جهد باشد.

وزارتخانه مهام خارجه

وزارت امور خارجه	راهسازی	تذکره سرحدات	بهدونصراری و سچوس و ملل مختلفه	گروس (۱۴)
نهایند کرمانشاهان	خرقان (۱۵) لرستان			



وزارت امور خارجه، کساکان و اداره امور ولایات و مهمات مرقومه فوق، به عهده جناب وزیر امور خارجه است. می باید چنانکه االی حال، خاطر همایون راه در تصدی مهام خارجه، آسوده و راضی ساخته، در انضباط و انتظام سایر مهمات و امور مرقومه، به تخصص نظم مهام ولایات سرحدیه سپرده به خود - چنان که شایسته کفایت و کاردانی اوست - جهدی و االی مبذول داشته، در انتظام سرحدات

و وصول و ایصال مالیات و آسایش رعیت و آبادی ولایات و تحصیل امنیت، با کمال اقتدار و اختیار، بدون مداخله احدی - به نحوی که مرقوم و مسطور است - مجاهده و مبالغه کامله به عمل آورد؛ و در رسانیدن مقررات و اشراجات مأمورین خارجه، اهتمام تمام به تقدیم برساند؛ و در ساختن راهها - آنچه صرفه و صلاح دولت را بداند - با حفظ حقوق دولت از مداخله خارج و رعایت شرایط و داد و حسن مراده با دول متحابه و تمنیح کل سفارتخانه و کارپردازخانه های دولت علیه، لوازم کفالت و کفایت را، مرعی و ملحوظ دارد.

وزارت علوم و غیره

وزارت علوم و صنایع جدید	تجارت	مدرسه دارالفنون	تلگرافخانه	کارخانجات	معادن
روزنامه دولتی	باسمه خانه های ولایات و دارالخلافه	حکومت ملایر و تبریزکان			



وزارت امور مفصله - که از امور مهتمه دولت است - برعهده نواب احتضادالسلطنه (۱۶) مقرر شد و موکول خواهد بود. من باید معزی الیه، انتظام امور مزبوره را، بر ذمت خود فرض نماید و در ترقی علوم و صنایع و تجارت، کمال مجاهدت را به عمل آورد و روزبه روز، بر رونق آنها بیفزاید؛ و همچنین، در امور و نظم حمل تلگرافخانه ها (۱۷) جهد بلیغ نماید که منتظم و مضبوط بوده، عیب و نقصی حاصل نکرده، در تربیت شاگردان مدرسه دارالفنون و توفیر منافع معادن قدیمه و احداث معادن جدید و قرار روزنامه دولتی و باسمه خانه های مملکتی، سعی باشد که از کتب مستهجنه، چاپ نکنند و در روزنامه، همیشه، اخبار دولتی و مملکتی را، به طور خرم و خوش چاپ کنند؛ و روزنامه علمیه را که چندی است متروک مانده و تصاویر روزنامه را معمول دارد.

پرونده گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

وزارت دربار و منصب ایشیک آقاسی باشیگری (۱۸)

صل شاهزادگان درباری و ولایات	علمای سادات دارالخلافه و ولایات	اشراف و اعیان دارالخلافه و ولایات	خرابا و همساتان شاه در دربار همایون	صل بنایی
حکومت خوانسار	مواظبت در رساندن	مواظبت در رسانیدن		

الله وکاء انبار

وجوهه براتداران متفرقه

انتظام امور حرم
و خواجه سرايان (۱۹)

چهار خانه ما

حکومت جوشقان (۱۹)

حکومت گلپایگان



وزارت درباری و انجام خدمات مفصله مرفومه فوق، به عهده جناب ظهیر الدوله (۲۰) خواهد بود. می باید کمال حراظت، در انتظام خدمات مزبور، به عمل آورد. نگذارد امور مردم، مفضل و معرق بماند و متحیر باشند و این دره آن در بدون کسی گوش به حرف و عرضشان نکند. می باید این گونه اشخاص، هر یک عرضی و حرفی دارد، رسیدگی نموده، اگر لازم است به عرض حضور همایون برساند و الا، به هر وزارتخانه راجع است، به همان وزیر اعلام نموده، اهتمام اتمام عمل و مطالبه جواب آن را بکند. در امور ورقه دولتی فرامین و بیورات دیوانی، نظم درست بگذارد. مال دیوان، اقراط و تفریط نشود؛ و نه به مردم - که کاغذ می گیرند - زیادتی بشود. مقرری خادمان حرم را، در وقت و موقع، از صاحب جمعان دیوانی

گرفته، برساند؛ و در انتظام امور خواجه سرايان و حملجات خدام درب حرم خللافت، لازمه مراقبت به عمل آورد؛ و در عمل بنای بیوات دیوانی، در دار الخلافه و ولایات، مواظب باشد که قلب و حیف و میل نشود؛ و با کمال تأکید و تشدد، بیست هزار خروار گندم و چهار هزار خروار جو لو ا بیست هزار خروار گاه، از خالصجات دار الخلافه و شش هزار خروار گندم از ولایات قریبه - که محل آن را وزیر مالیات مشخص می کند - اهتمام نماید که تحویل سازی اصلان، مباشر انبار دیوانی شود و در عهده تعویق نمائند حکومتهای معینه را، متوجه بوده و نگذارد از رعایت، به رعیت تعدی وارد آید و مال دیوان را بدون کسر و نقصان برساند و کمال مراقبت در امنیت آنها نماید. از براتداران متفرقه - اگر کسی باشد که تنخواه او، عقب افتاده باشد - به عرض برساند تا حکم به ادای آن شود.

وزارت عدلیه

به عهده جناب حاجی محمد قلیخان (۲۱) محمول و مقروض خواهد بود. می باید با اجزاء اشخاصی که مقرر است رسیدگی به امور عارضین و ملهوفین نماید و عرایض صندوق عدالت را - به نحوی که مقرر و معمول است - رسیدگی نموده، در هفته، یک روز مخصوصاً صرف اوقاف همایون را، برای اصناف عرایض دیوان عدالت مشخص فرموده ایم. در آن روز معین، خلاصه عرایض را - که در آن هفته به هم رسیده است - به اتفاق صدر دیوانخانه، به حضور آورده، به عرض رساند و جواب حاصل نموده، از آن قرار حکم صادر کرده، به وزیر ولایتی برساند و نوشته بگیرند که در موعدی معین، تا اتمام عمل یا جواب مسکت و صحیح در خلاف بودن عرض عارض، به دیوان عدالت بدهند؛ و اگر از وزراء اهمالی شود، وزیر دیوان عدالت، مآذون است که به عرض برساند تا حق مدعی، یا حکم همایون، از آن وزیر مستدری شود. او، خود داند با مدعی علیه و حاکم آن ولایت، مرسومی که معمول است. عارضین، بعد از اتمام عمل، به اولیای دیوانخانه بدهند. بر ذمه وزارت که گرفته، عاید سازند.

جناب اعتضادالدوله (۲۲) خوانسالار

حکومت نوزین دارالانتظاره حکومت و سرداری حکومت عربستان ریاست خرائین
مازندران [مخوزستان] قاجار

حکومت محلات

خدمات مفصله فوقی، به عهده جناب اعتضادالدوله خواهد بود که در انتظام حکومتهای مسطوره خدمات مزبوره، نهایت سعی و جهد مبذول داشته، به نحوی که مرضی خاطر مهر مظاهر همایون است در حفظ امنیت و انتظام و آبادی ولایت و سرپرستی نوکر، کمال مراقبت به عمل آورده، سعی باشد.

وزارت وظایف و غیره

وزارت وظایف و اوقاف همدان



انجام خدمات مسطوره، در عهده جناب اعتمادالسلطنه (۲۳) است. می باید در رسانیدن وظایف و ثبت و ضبط غایب و متروک و تشخیص و تمیز ارباب استحقاق و غیر مستحق به اطلاع و استحضار وزرای ولایات، کمال اهتمام به عمل آورده، دقیقه ای از لوازم این خدمت، مهیم و متروک نگذارد و حکومتهای مسطوره راه مراقب باشد. از حکام، تعدی به رعیت نشده، در آبادی و ولایت و آسایش رعیت - آنچه بداند - به عرض برساند تا فرار آن، داده شود.

وزارت حضور [= دربار] همایون

وزارت حضور همایون اصفهان کاتان فارس نظری گمرکخانه های ولایات



اداره امور مسطوره فوقی، محول به جناب امین الدوله (۲۴) خواهد بود. می باید در توفیر عمل گمرکخانه های ولایات - که جزء اعظم مالیات ممالک محروسه است - بذل جهد و سعی تمام نماید و این شغل معظم و خطیر را - که تا حال، اعتنائی درست در انتظامش نشده است - منظم و مضبوط سازد و همچنین، در آبادی و انتظام امور ولایات مرقومه، شرایط سعی و اهتمام به عمل آورد که به حسن تدابیر، مشارالیه بر مثال (۲۵) دیوانی بیزاید و از افساد و مکابده مفسد و شیطان، نگاهدارد و حفظ نماید.

وزارت دارالخلافه و غیره

طهران - عراق ۲۶۱ نو در جزین - کرمان - چهارخانه‌های راه آذربایجان



چون شهر دارالخلافه، طهران، مجمع اکابر و اعیان و مرکز کل ایران است که در حقیقت، چشم مردم به نظم اینجاست و مرمشق کل ایران است. لهذا، حکومت آنجا و قرار انتظام و امینش راه مخصوص وجود همایون خودمان فرمودیم و نظر بر اینکه جناب دبیرالملک (۲۷) پیرونده دست تربیت ماست و به حسن سلوک و کفایتش، اطمینان و اعتماد کامل حاصل بود، وزارت آنجا را به نیابت خودمان، به انتظام خالصجات (۲۸) و غیره با اجازت و ایلات آن، به عهده او محول داشتیم که درست در تفتیح و نظم شهر و تنزل اسعار و فراوانی ماکولات و انتظام عمل خبازی در رسانیدن جنس انبار، کمال جد و جهد راه عمل آورده - به نوعی که مرضی خاطر مبارک است - در آسودگی عامه مردم، اهتمام نماید و علاوه بر آن، اداره امور مفصله فرق راه، باریاست دارالانشا (۲۹) به عهده او محول و مغرض فرمودیم که با کمال نظم، راه برود به نحوی که در اصل مرقوم و مقرر فرموده ایم، عمل نماید.

وزارت خزانه عامره و غیره، به عهده جناب معیرالملک (۳۰)

نظم خزانه و مالیات عایدی به خزانه	جمع آوری وجوه مخصوص خزانه	محصلی وصول مالیات و بقایا (۳۱) از وزرا	رسانیدن وجوه اندرون و براتداران از قرار حواله دیوان
زنجیر کفخانه (۳۲)	حکومت گیلان که جزء وجوه مخصوص است.	حکومت یزد...	
شرایخانه‌های مسالک	کالسه خانه	بنایی بعضی ولایات مخصوص	



خدمات مرقومه فوق، بر عهده جناب دوستعلی خان معیرالملک است. می باید کمال اهتمام راه در انتظام خدمات و مهمات مزبور - که از مهم غطیر دولت است - به عمل آورده، در تمامی عیار شرابخانه ها و وصول و ایصال مالیات دیرانی، از بابت اقساط و بقایا و انتظام عمل حکومت‌های مرقومه و رسانیدن وجوه براتداران و مصارف دولتی و انتظام عمل خزانه عامره و جمع آوری و رسانیدن وجوه مخصوص خزانه اندرون (۳۳) و سایر خدمات معوله، سعی بلیغ و جهد بلیغ مبذول و معمول دارد.

خدمات مفصله، به علاوه احضار وزرا و رسانیدن اخبار از جانب سنی الجوانب همایون، به عهده جناب امین الملک پاشاخان (۳۳) محول است. می باید در انجام خدمات مرجوعه، سعی باشد و بعد از این، بیرواوت و فرامین را، بدون «صحيح دستخط مبارک»، به مهر نرسانند.

رویش سفیدی خلوت (۳۵)

نظنگداران سرکاری (۳۶)

چون خدمات مزبوره، سابقاً نیز، به عهده مقرب الخاقان، میرزا هاشم خان امین خلوت (۳۷) محول بود، کماکان به او مرحمت و مرجوع گردید.

خاتمه

برای انتظام امور وزارتخانه ها - که هیچیک، موجب تعطیل امر دیگری در عرض مطالب متعلقه به خود نشود - ایام هفته را، برای عرض مطالب آنها، منقسم به تقسیم مفصل ذیل می فرمایم که هر یک در روز معلوم، شرفیاب حضور همایون گردیده، مطالب و عرایض متعلقه به خود را معروض داشته، جواب حاصل سازد، دبیر الملک و معیر الملک، به جهت اینکه انتظام امور دارالخلافه و خزانه، راجع به نفس نفیس همایون است، سپرده به آنهاست: تعیین وقت برای آنها، مناسب نبود. در وقت ضرورت، عرایض خرد را خواهند رساند؛ و کذلک، سایر وزرا هم، هر یک عرضی و مطلبی فوتی و فوری داشته باشند، در هر وقت، مأذون به عرض خواهند بود. البته، بدون تخلف، همگی، می باید از این قرار رفتار نموده، تخلف نمایند (۳۸).

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه
وزیر جنگ	وزیر عدلیه	وزیر مالیات	وزیر امور خارجه	امین الدوله	اعضاء السلطنه
			وزیر و قاضی	ظهور الدوله	اعضاء الدوله
				وزیر دیوار	
					جمعه
					تعطیل

حرفی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۸۳

یادداشتها:

- ۱- اردیبهشت، سال ۱۲۸۲ هجری قمری، مطابق بانور دهمین سال شهریاری ناصرالدین شاه قاجار. (امضاء السلطنه، محمد حسن خان، مرآت البلدان، تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث، ۴ جلد، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۷، جلد دوم - سوم، ص ۱۲۸۳)
- ۲- بارس، نول، سال ۱۲۸۳ هجری قمری، برابر با بیستین سال پادشاهی ناصرالدین شاه. (همان، ص ۱۲۸۱)

- ۳- اطلاق: حقی که به نویسنده مفصاحساب پرداخت می شد، حق الاطلاق. (معین)
- ۴- مملوقه فرمان، فرمان پادشاه که قطع آن، کوچکتر از فرمان باشد و به مهر کوچک شاه، مهور شده و مقید بر پشت در دفاتر نباشد. (معین)
- ۵- استر آباد، شهر های مهم ولایت استرآباد - که اهمیت تاریخی دارد - عبارت است از: گرگان، بسترگور، و خندسک. (دهخدا)
- ۶- کمره: حسین. (دهخدا)
- ۷- مشیرالدوله، میرزا حسینخان قزوینی، پسر میرزا نسی خان امیر دیوان، در ۱۲۸۱ هجری قمری ایران در عثمانی شد و در ۱۲۸۲، ملقب به مشیرالدوله گشت. در سفر عینات ناصرالدین شاه (۱۲۸۷) شاه راهر عراق همراهی کرد پس از مراجعت از سفر عینات، شاه، اورا به وزارت عدلیه و وزارت وظایف و اوقاف منصوب کرد و در ۱۲۸۸، لقب سپهسالاری به وی داد و اندکی بعد به مقام صدارت رسید. در ۱۲۹۰، شاه رابه فرنگستان برده ولی در حسین سفر، مخالفتش به تحریک روسها بر ضد او برخاستند و شاه مجبور شد اورا بر کنار و به حکومت گیلان مقرر نماید اما اندکی بعد وی را احضار و به وزارت خارجه منصوب کرد. در ۱۲۹۱، وزارت جنگ نیز به وی سپرده شد و به سپهسالار اعظم، ملقب گردید. در ۱۲۹۵، دوباره شاه رابه اروپا برد. در ۱۲۹۷، از سپهسالاری و وزارت خارجه معاف و به حکومت قزوین منصوب شد. در ۱۲۹۸، به حکمرانی خراسان و سیستان و تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد و در مشهد، در ذی حجه ۱۲۹۸، در ۶۵ سالگی در گذشت. میرزا حسینخان، در دوره صدارت جنگ، چندین روزنامه و از آن جمله، روزنامه «ریخ» را تأسیس کرد. مدرسه سپهسالار و ساختمان بهارستان (مجلس شورای ملی سابق)، از یادگارهای برجایمانده از اوست.
- ۱۳۶۸، جلد دوم، صص ۲۶۰-۲۶۱.
- ۸- اصل: ملهور.
- ۹- صندوقخانه، محل صندوقهای پول دربار در دوره قاجار، جایی که در آن، کالاهای نفیس خانه و لباسهای فاخر را نهادند. (معین)
- ۱۰- درختدار بوخت، دارنده انصافی در دوره قاجار به یکی از شغلهای درباری در زمان سلاطین قاجار و برای دفتن لباسهای شاه و تختداری، عمل و شغل رختدار. (دهخدا)
- ۱۱- رختدار، جامه دار خاص شاه و رختدارخانه، از امور خصوصی شاه که تحت ریاست صندوقدار باشی بوده است.
- ۱۲- اصطلاحات و القاب دوره قاجاریه، سلاطین اسناد ملی ایران، مدیریت طبقه بندی و نمایه سازی اسناد، به کوشش مرگان تاجیک. (از بنیاد خانه، گاهی که شده در شهر برای نمایش، اسب سواری می کرده، زمین و براق آتش مرمع بود. (بتهای مرمع شاه، زیندارخانه ای داشت که تحت سرپرستی یکی از رجال دربار، اداره و حفظ می شد. (اصطلاحات ... قاجار، تاجیک)
- ۱۳- فرش، پیشخدمت، خدمتکار، فرشتهای کتبی بودند که مقدار اجمل می کردند. (اصطلاحات ... قاجار، تاجیک)
- ۱۴- فرش خلوت، فرش مخصوص خلوتخانه شاه و غیره. (معین)
- ۱۵- مستوفی الممالک، میرزا یوسف آشتیانی، پسر میرزا حسین، در سال ۱۲۲۷ هجری متولد شد و چون ناصرالدین شاه، وی را «آقا» صدا می کرد، همه، او را «آقا» می گفتند. محمدشاه در ۱۲۴۱، وی رابه مستوفی الممالک ملقب کرد. در ۱۲۶۸، حکومت عراق الراقا، نیز، ضمیمه ساختنش شد. در ۱۲۷۶، علاوه بر سستی که داشت، به عضویت مجلس شورای دولتی منصوب شد. در ۱۲۸۱، به فرمان ناصرالدین شاه، وزیر دارایی شد. در ۱۲۸۲، افزون بر وزارت دارایی، اداره امور آذربایجان، کرمان، قم، ساوه، زنند و ... نیز به وی واگذار شد. در ۱۲۸۴، عنوان رئیس آفریقایالت، در ۱۲۹۰، سپس از مدتی خانه نشینی، با توفیق دوباره شاهانه، وزارت داخله، وزارت دارایی، ریاست خزانه، ریاست دارالتوراد، حکومت تهران و تصدی خالصجات هم به او سپرده شد. در ۱۲۹۸، به موجب دستخط شاه، رسماً صدر اعظم شد و سرانجام، در رجب ۱۳۰۳، در ۶۶ سالگی، زندگانی را بدرود گفت. (از جلال بامداد، جلد چهارم، صص ۴۷۸-۴۸۶).
- ۱۶- گروس: بیچار. (معین)
- ۱۷- خرقان، نام قزوینی است در حوالی قزوین. (دهخدا)
- ۱۸- اعتمادالسلطنه، شاهزاده علی قلی میرزا پسر فتحعلشاه، از شاهزادگان فاضل قاجار و مردی صاحب ذوق بود. وی در ۱۳۳۴ (۱۳۳۴) در تهران دیده به جهان گشود. پس از فوت محمدشاه (۱۲۵۰) تا ورود ناصرالدین میرزای ولیعهد از تبریز به تهران، علی قلی میرزا، پیشکاری مهد علیا (مادر ولیعهد) را، که نایب السلطنه و همه کاره کشور بود، در دست داشت. در ۱۳۳۲، به اعتمادالسلطنه ملقب و در ۱۳۳۴، به ریاست دارالتنویس و در ۱۳۷۵، به وزارت علوم منصوب شد (نخستین کسی که لقب وزیر علمی در ایران گرفت، او بود). در تاریخ، اسطرلاب و هندسه، کتابها و رساله های دارد که از آن جمله است: فلک السعاده، اکسیر التواریخ، تاریخ متنبیان و ...
- نخستین سیم تلگراف در تهران (۱۳۷۲) با مسئولیت و دخالت مستقیم او کشیده شد. اداره تلگرافخانه ها، روزنامه های دولتی و علمی و نیز مدیریت چاپخانه ها را عهده دار بود. سرانجام در شب عاشورای ۱۳۹۸، در تهران در گذشت و در جوار حضرت عبدالعظیم (ع) به خاک سپرده شد. (چهل سال تاریخ ایران، جلد اول، صص ۲۶۱-۲۶۲) و (از جلال بامداد، جلد دوم، صص ۴۳۱-۴۳۸).
- ۱۹- اصل: تلغرافخانه.
- ۲۰- ایشیک آقاسی باشی، دریش سفید کل یا اولان صحبت: رئیس ایشیک آقاسیان دیوان و آقایان و قاپوچیان و سولان و جازیریان دیوان. ایشیک آقاسی بلشیکری: ایشیک آقاسی باشی بودن. (دهخدا)
- ۲۱- ایشیک آقاسی باشی، رئیس تشریفات. (اصطلاحات ... قاجار، تاجیک)
- ۲۲- جرشقان، از فرای حومه کاشان و الحال، از اعمال ولایت کاشان محسوب، مابین جنوب و مشرق این شهر واقع، هوایش به بیلاهی مایل و تیول نواب والا، معزالدوله (بهرام میرزا پسر عباس میرزا نایب السلطنه) است که در ۱۲۹۵ هجری وزیر عدلیه شد.

قلمبه مرکزی دهستان تابع بخش سیمه شهرستان کاشان. (دهخدا)

۲۰. ظهیرالدوله، علی خان قاجار، پسر محمد ناصر خان ظهیرالدوله دولو و داماد ناصرالدین شاه، در ۱۲۸۱ در شیراز متولد شد. در ۱۲۹۷ داماد شاه شد و در ۱۳۰۳ در سلطنت مریدان صیقلی شاه درآمد. در ۱۳۰۴ وزیر شرفیات ناصرالدین شاه شد و از ۱۲۵۵ قندهار ۱۳۱۶ به جانشینی مرشد خود نشست.

وی، مریدی روشن ضمیر، پاک و دادگر بود. انجمن اخوت را در ۱۳۲۶ ترتیب داد و محمدعلیشاه، هنگام به توب بستن مجلس، آنجا را با خانه وی به توب بست و ویران کرد. در ۱۳۲۹ حکومت مازندران به مدت یکسال و در ۱۳۳۴ حکومت همدان را عهده دار شد. در ۱۳۳۶ حاکم گیلان گردید. در ۱۳۳۷ حاکم کرمانشاه و در ۱۳۳۳ حاکم تهران شد و سرانجام، در دی قندهار ۱۳۴۲ در گذشت.

خاطرات وی را انبوج افشار به چاپ رسانیده است. (چهل سال تاریخ ایران، جلد دوم، ص ۵۱۹)

۲۱. حاجی محمدفتیحخان قاجار، پسر اللهیار خان آصف الدوله، در کودکی، خلاصیچه دربار بود و در موقع مرگ فتحعلیشاه، در اسفهان مأموریت داشت. در زمانی که پدرش والی خراسان بود، او، ریسی شرفیات دربار محمدشاه بود، و پس از تبعید پدر، با تداویری از تهران به مرافقه و از آنجا به تبریز و از تبریز به سنات گریخت. پس از اینکه کار سالار بکلی خاتمه یافت و از اهمیت افتاد، از آنجا که خود، مقام خانوادگی معتبری داشت و داماد فتحعلیشاه بود، به طهران آمد و مورد احترام شاه و تدبیر او شد. آنگاه به وزارت عدلیه رسیدیمینی مریدوق عدالت به وی سپرد شد. در ۱۲۸۶، به پیشکازی مسعود میرزا پسر شاه به فارس رفت و در ۱۲۹۰ برای دومین بار به وزارت عدلیه منصوب شد و یکسال در این مقام بود. در شعبان ۱۲۹۲ در قم در گذشت. وی نیز چون پدر، لقب آصف الدوله داشت. (چهل سال تاریخ ایران، جلد دوم، ص ۵۱۹)

۲۲. شیرخان پسر سلیمان خان معروف به خان خاتان، برادر قی مهدعلیامادر ناصرالدینشاه - که در ۱۲۷۰، به عین الملک، ملقب گردید و پس از نصرالله خان (هم حدوداً مدت دهسال، خوانسار یعنی ناظر آشنیزخانه ناصرالدینشاه بود. در سال ۱۲۷۵ پس از عزل شدن میرزا قاجارخان نوری، عزتالدوله (خواهر ناصرالدین شاه) از میرزا کاظم خان نظام الملک طلاق گرفت و به عقد شیرخان - که پسر دایی اش بود - درآمد و در سال ۱۲۹۷ علاوه بر خوانساری، به حکومت مازندران، گرگان و استرآباد هم منصوب شد. در سال ۱۲۸۰ منصب آبدارگری بیابان قاجار هم به مناصب او اضافه شد و دو سال بعد سوار قشون مازندران، گرگان و گیلان گشت و در سال بعد، به لقب «نصرتالدوله» ملقب گشت و علاوه بر مشاغل مذکور، اداره امور حکومتی قزوین، خوزستان و محلات هم، به او محول شد. در ۱۲۸۴ به حکومت استرآباد نیز منصوب شد و حکومتهای مازندران، شاهرود و بسطام هم بر عهده وی محول گردید. در ۱۲۸۵ اعزازت و ریاست توپخانه را نیز، ضمیمه مشاغل وی ساختند. ولی این بار، اجل گریمان او را گرفت و در همان سال، در گذشت. (همان، جلد دوم، صص ۴۸۳-۴۸۴) و (ستوفی، عبدالله، شرح زندگی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، سه جلد، چاپ سوم، انتشارات زوار، تهران ۱۳۷۱، صص ۲۹۹، ۳۲۲ و ۳۳۳)

۲۳. اعتمادالسلطنه: محمد حسنخان صبیح الدوله فرزند حاجی علیخان حاجب الدوله، یکی از رجال نامدار و دانشمند عصر ناصری است که در سال ۱۲۵۶ هجری قمری از روزنامه خاطرات، در تهران متولد شد. وی در ابتدای تأسیس دارالفنون، در ۱۲۶۷ در نه سالگی وارد مدرسه در رشته نظام شد و از این تاریخ تا آخر عمر (۱۳۱۳) - رجال نامدار دوره موالید خدمت دولتی بود. در سال ۱۲۸۰، بااست و اسیب نظامی ایران به پاریس اعزام شد و در زمان و ادبیات فرانسه تسلط پیدا کرد. وی در سال ۱۲۸۴ پس از بازگشت از فرانسه، به عنوان مترجم حضوری دربار منصوب گردید و در سال ۱۲۸۷ ملقب به صبیح الدوله شد. در طول سالهای خدمت خود، مشاغل مختلفی از جمله ریاست دارالشرحه، اداره احتساب، وزارت عدلیه، ریاست دارالتالیف، اداره باغات میازک دولتی، عضویت مجلس شورای دولتی و وزارت انطباعات، عهده دار بود. در سال ۱۳۰۴ قمری، ملقب به اعتمادالسلطنه گردید. او، در سال ۱۳۱۳، یک ماه پیش از قتل ناصرالدین شاه، در تهران در گذشت. وی در انجمنهای علمی اروپا و روسیه عضویت داشت و آثار متعددی از خود به جا گذاشت که برترین آنها، معذلات مرآة البلدان، مطلع الشمس، منتظم ناصری، المآثر و الآثار و تاریخ اشکالیان می باشد.

(اعتمادالسلطنه، محمد حسنخان، روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، ۱ مجلد، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۲۷، صص سیزده، مقدمه او (ایماند)، مهدی، شرح حال رجال، ۶ مجلد، چاپ چهارم، انتشارات زوار، جلد سوم، صص ۳۳۰-۳۳۷)

۲۴. امین الدوله، ابوطالب معروف به فرخ، ملقب به امین الملک، وزیر حضور و امین الدوله، فرزند میرزا مهدی پسر میرزا احمد، از طایفه غفاریهای کاشان - که نسبت خود را به ابوبذر غفاری، صاحبین بزرگوار می رسانند (۱۲۹۸-۱۲۸۸ م. ق. ک) در سلطنت ناصرالدینشاه، مشاغل آبرومندی یافت و در ۱۲۷۲ به امین الملک ملقب شد و برای اصلاح روابط ایران و انگلیس، به اروپای غربی مأمور شد - که مأموریت مشکلی در آن زمان بود. سرانجام در ۱۲۷۳ م. ق. با وساطت و مناخله نابلتون سوم، قراردادی با امپراتور انگلستان درباریس امضا کرد که نتیجه آن، از دست رفتن افغانستان بود.

در آغاز سال ۱۲۷۵ - که میرزاغیاخان نوری معزول شد - فرخ خان، به سمت وزارت حضور، مهر دار شاه و ریاست شورای دولتی نایل آمد و چون میرزا صادق قائم مقام از شغل خود معزول و خاتمه شین شد، لقب او را - که امین الدوله بود - به فرخ خان دادند.

ناصر نظام شدن میرزا احمدخان سپهسالار، فرخ خان و برادرش، به گمان مخالفت با صدر اعظم، به کاشان فرستاده شدند ولی پس از دو ماه، دوباره در صفر ۱۲۸۳، وزارت حضور، حکومت کاشان، اداره ولایات فارس، اسفهان و نغز، و اداره گسرخخانه های ولایات به فرخ خان سپرد شد. تقریب فرخ خان به جایی رسید که شاه، دستور داد که عون و نصب تمام حکام، باید به منورت و صوابدید او باشد. (چهل سال تاریخ ایران، جلد دوم، صص ۵۰۹-۵۱۰)

۲۵. مالیات جسی آقا جازیه (معین)

۳۶. عراق: در شهریور ۱۳۱۴ ه. ش. به موجب تصویب هیئت وزیران، نام عراق (سلطان آباد) به آراک تبدیل گردید. این شهر، از شمال به قراغان، از مشرق به خاک قم، از جنوب به محلات، از غرب به کوه شلوند محدود است. دارای آب و هوای معتدل و زمستانها بسیار سرد است. بنای آن، جدید و در سال ۱۳۴۰ ه. ش. به توسط سردخان معروف به کریمی، در زوایه جنوب غربی دشت قراغان بنا شد. دوره آهن سراسری ایران، از آنجایی گذرد. (معین)

۳۷. دبیر الملک، میرزا محمد حسین: هموزاده قائم مقام (۱۲۲۵-۱۲۹۷) در سفر اوزنه‌الروم امیر کبیر، فتنی او بود و جغرافیای جهان‌نمای جدید را که به دستور امیر، از تألیف چند کتاب، به فارسی ترجمه کرد. به خط و انشای وی نوشته شده است.

در ۱۲۸۳ و زیر رسایی شد و امور حکومتی تهران و خالصجات، اداره حکومتی کرمان و عراق و در جزین، و پستخانه‌های راه آذربایجان به وی سپرده شد. در ۱۲۸۲، امور بلوک خوار هم به این مشاغل ضمیمه شد. در ۱۲۸۵، به نیابت تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد. در ۱۲۸۸، علاوه بر عضویت دارالشورای کبریا، برای بار دوم به وزارت رسایی منصوب گشت. در محرم ۱۲۹۰، وزارت داخله نیز به آن اضافه شد و در همین سال به حکومت عراق روانه شد. خبری دبی، اطراف تهران، به نام اوست که در موق تصدی خالصجات، آن راه عمل آورده و متداول ساخته است. (چهل سال تاریخ ایران، جلد دوم، ص ۴۳۲)

۳۸. خالصجات، سید خالصه: زمینهای متعلق به دولت از زمینهای که از باب، آن را از تقسیم میان دهقانان و به اصطلاح بشک انداختن، مستثنی می‌دارد و خود، رأساً آن را از ارض می‌کند (بیشتر در کردستان) (معین)

۳۹. دارالانشاء دبیر خانه، بنای منشیان و نویسندگان. (دهخدا)

۴۰. میرزا محمد علی، امیر دوست محمد خان، پسر دوستعلی خان و شوهر عصمت الدوله، دختر دوم ناصرالدین شاه، در سال ۱۳۲۳ هجری شری متولد شد و پس از اینکه پدرش دوست علیخان در ۱۳۸۸ لقب نظام الدوله گرفت، منصب میرزا محمد علی را به پسر خود واگذار گشت. در همین سال - که باز ده سال پیشتر نداشت - حکومت یزد نیز به او سپرده شد.

پس از فوت نظام الدوله (پدرش) در ۱۳۹۱، دوست محمد خان، یکی از سر ملایه‌داران درجه یک ایران بلکه سر آمد متولیان کشور مودنی بیشتر این داری را از روی بی کفایتی، در داخل و خارج ایران، برپا داد و در سفر سوم خود به اروپا، در ۱۳۸۱ سالگی، در شهر اودا دیده از جهان بخت و جنازه‌اش را به ایران آوردند. از حال نامشده، جلد اول، صص ۵۰۲-۵۰۳

۴۱. بقایای مالیاتی و مجموع اموال از مردم هر محلی که جمع کرد تا غلبی که ایشان را هیچ نماند و این سال را، سال، موباند نام نهادند یعنی سال بقایای پس، بقایای همه شهرها مستخلص گردانیدند و محصل کردند مگر بقایای اصفهان - که در آن تأخیر افتاد، به سبب اهل قم که در ادای آن، نمره و سرکشی می‌کردند و از ادای بقایای امتناع می‌نمودند. (دهخدا)

۴۲. زینور کخانه، محلی که زینور کهاراد آن نگهداری می‌کردند.

۴۳. خزانه آندرون: قسمتی از خزانه که جواهر و طلا، و زبر کلید و مهر و موم شاه بود، خزانه دربار. (اصطلاحات ... فاجار، ناجیک)

۴۴. امین الملک پاشاخان، از پیشخدمتهای خاصه شاه که در ۱۳۷۲، به لقب امین الصره ملقب و در ۱۳۷۶، مدیر دارالشورای کبریا و معروف به امین شورا گردید. در سال بعد، به پیشکاری پسر شش ساله شاه، کامران میرزا، حاکم تهران معین شد. در ۱۳۸۱، مأمور رسیدگی به امور اداری نظام شد و سال بعد، امین الملک لقب یافت و مهرباری و رسیدگی به امور حکومت، بر جود و خسته - انجان و احصای وزرا و ابلاغ اوامر شاهانه به آنان، از وظایف او قرار گرفت. در ۱۳۸۴، رسیدگی به امور خراسان نیز، بسو سپرده شد. در ۱۳۸۸، عضو دارالشورای کبریا شد و پیشکاری کامران میرزا نیز، دوباره به وی محول گشت و آنگاه، وزارت عدلیه به او داده شد. (چهل سال تاریخ ایران، جلد دوم، ص ۳۷۶)

۴۵. ریش سفید خلوت، وزیر دربار، وزیر حضور. (اصطلاحات ... فاجار، ناجیک)

۴۶. مهندسکاران، دسته‌ای از نظامیان به عهد قاجاریه. (دهخدا)

۴۷. امین خلوت، میرزا هاشم خان: برادر بگری و ملاری فرخ خان امین الدوله و پدر اقبال الدوله و صاحب اختیار، از جمله عمده خلوت بود و در ۱۳۷۶، کلبه محاسبات تلگراف جدید تأسیس، زیر نظر او قرار گرفت و او، محمدابراهیم خان صدیق التسلک شیبانی را به معاونت خود گرفت و علت اینکه در میان محصلین و کارکنان تلگرافخانه در آن زمان، کاشانی زیاد وجود دارد، همین است. در سال ۱۳۷۸ - که ریاست اداره، صرف جیب شاه را داشت - ملقب به امین خلوت گردید. در ۱۳۸۴، امور حکومت فیروزکوه و در ۱۳۸۸، امور حکومت شاهرود و پسنگام و یزد، و اندکی بعد، حکومت کاشان، زیر نظر وی قرار گرفت و نیز در همین سال، از اجرای مجلس دارالشورای کبریا دولتی شد.

چون فرخ خان در گذشت، لقب او یعنی امین الدوله، به میرزا هاشم خان صاحب ترجمه داده شد و به منصب وزارت حضور، نایل گشت و شش سال بعد (۱۳۹۴) در گذشت و در قم مدفون گشت. میرزا هاشم خان، شوهر خواهر فتح‌الله خان شیبانی، شاعر معروف بود. (چهل سال تاریخ ایران، جلد دوم، ص ۵۱۱)

۴۸. در من فرمان، جزء بسین خانه‌ها در ترکیه‌ای چون، ووزارخانه‌ها، باسسه‌ها، خانه‌ها، تلگرافخانه‌ها، مدارس، خانه‌ها، گمرکخانه‌ها و ... همواره به صورت مشاهیر آمده است - که مطابق دستور خط آن زمان بوده است.